



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



و چند مقاله دیگر:



شاکی و مفتري

«نگار» دکتر سيد ابراهيم قدس

اشاره: «مقاله شاکی و مفتري و بررسی یک پرونده کيفري» در اصل با تفصيل بیشتری تحرير شده بود، ليکن بخشهایی از آن که به تحليل رکن مادی و رکن معنوی افترا می پردازد، همراه چکیده مقاله از نظر تان می گذرد:

چکیده: مفهوم دو واژه شاکی و مفتري با یکدیگر فرق دارد. شاکی کسی است که از دست دیگری نزد مراجع و مقامات رسمی شکایت کند و مفتري کسی است که جرمی را به طور صریح و روشن و با سوء نیت و قصد مجرمانه و به یکی از طرق قانونی به دیگری نسبت دهد و در دادگاه صالح نتواند ادعای خود را اثبات نماید.

اگر کسی به منظور رفع ظلم علیه کسی شکایت کند و به لحاظ فقد ادله مثبتة نتواند ادعای خویش را علیه مشتکی عنه ثابت نماید، مفتري به حساب نمی آید مگر این که ثابت شود به نیت إضرار به دیگری اکاذیبی را به وی نسبت داده و قادر به اثبات

آن نباشد.

رکن قانونی: رکن قانونی جرم افتراء در ماده ۶۹۷ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ ذکر شده است: «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.»

با توجه به متن قانونی اشاره شده برای اثبات جرم لازم است، الف - از طرف مرتکب و مفتری فعل مثبتی انجام گیرد، ب - باید به یکی از طرق قانونی به شخصی اسناد داده شود، ج - امر به صورت صریح به کسی نسبت داده شود.

ماده مذکور افتراء به معنای اخص را بیان کرده است. ماده ۶۹۸ در مقام بیان اشاعه و نشر اکاذیب بوده و قانونگذار تحت شرایطی دروغ گفتن را جرم دانسته است و از آنجا که ارتباط مستقیمی با افتراء موضوع این بحث ندارد از آن می گذریم.

ماده ۶۹۹ در ارتباط با افتراء بالفعل است و مقرر می دارد: «هر کس عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد، بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود.»

در ماده ۷۰۰ قانونگذار انتشار هجو و یا هجوئه از طریق نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی را جرم و مرتکب را مستحق مجازات حبس از یک تا شش ماه دانسته است. در حقیقت آنچه به عنوان رکن قانونی جرم افتراء به معنای خاص می تواند معرفی گردد همان ماده ۶۹۷ قانون موصوف می باشد و بقیه مواد همان طوری که از عنوان فصل

بیست و هفتم استفاده می‌شود، در رابطه با توهین و هتک حرمت است.

رکن مادی: با توجه به ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی و تعریف جرم افترا عناصر تشکیل دهنده رکن مادی عبارت است از: الف - کسی که می‌خواهد امری را به دیگری نسبت دهد و یا آنها را منتشر نماید باید آن امر جرم باشد. بنابراین اگر کسی خبر بدهد که آقای فلانی در اداره و در محیط کار و در مکان مسقف سیگار کشید مفتری نیست چرا که سیگار کشیدن در مکان مسقف در اداره یک تخلف اداری است نه جرم. متخلف را می‌توان به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری فرا خواند و حتی او را محکوم به مجازاتهای مقرر در قانون مربوط نمود اما در هر حال اقدام او به موجب قوانین جزایی جرم نبوده و اگر کسی این اسناد را به مرتکب نسبت بدهد مفتری نخواهد بود. ب - اسناد باید صریح روشن و بدون ابهام باشد. اگر اسناد به صورت کلی و عام باشد جرم افتراء تحقق پیدا نمی‌کند. برای مثال اگر شخصی به شخص دیگر نسبت فاسق، یا هرزه و یا هر جایی بدهد مفتری نیست. ج - طرف اسناد و مخاطب، شخص معین و مشخصی باشد. در ماده قانونی مورد بحث مقرر شده است: «به کسی امری را صریحاً نسبت دهد» بنابراین اگر شخصی به اهالی یک محل یا شهر جرمی را نسبت بدهد و بگوید یکی از شما اهالی این محل قاتل هستید مفتری محسوب نمی‌شود مگر این که با علائم، اشاره و گفتن صفت و یا شبیه اینها شخص معینی را مورد خطاب قرار دهد و جرم را به او نسبت دهد که در این صورت جرم افتراء تحقق پیدا کرده است. د - وسیله اسناد از قبیل اوراق چاپی یا خطی یا درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر است. در ماده ۱۴۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ عبارت «یا به هر وسیله دیگر» قید نشده بود اما در ماده ۶۹۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با قید این عبارت دیگر ابزار پیشرفته و تکنولوژی مدرن از قبیل رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، اینترنت و همچنین عکس، نقاشی و کاریکاتور نیز از جمله وسایل اسناد به حساب می‌آید. اوراق چاپی یا خطی باید به صورتی علنی و آشکار شود تا مشمول جرم افترا گردد بنابراین اگر کسی چیزی بنویسد و جرمی را به کسی نسبت بدهد لیکن هنوز آن را آشکار نکرده و در کشوی میز کارش باقی مانده است

مفتری نیست.

در خصوص درج در روزنامه و جراید باید توجه داشت که به موجب قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ به ذی نفع حق پاسخگویی داده شده است اما بهره‌برداری از این حق قانونی مانع از این نمی‌شود که مجنی علیه نتواند علیه نویسنده به اتهام افتراء در مراجع قضایی شکایت کند. قانونگذار نطق در مجامع را نیز از جمله وسایل اسناد دانسته است. بدیهی است نطق در رادیو، تلویزیون، تئاتر و میزگردها و چت در اینترنت به تشخیص عرف، مجامع تلقی نمی‌گردد و مضمون این بخش از ماده قانونی نمی‌شود اما از آنجا که قانونگذار «یا به هر وسیله دیگر» آورده است. هر وسیله‌ای که به نوعی انتشار و اخبار را می‌رساند ماده قانونی آن را در بر می‌گیرد و افتراء صدق می‌کند. هـ- اسناد باید ابتدایی باشد و جنبه تعرض و تهاجم داشته باشد. بنابراین اگر کسی در مقام دفاع از حق و حقوق خود جرمی را به کسی دیگر نسبت دهد یا به مخاطب خود آن اتهام را برگرداند جرم افتراء به حساب نمی‌آید.

گواهان و شهود که در مقام بیان شهادت علیه کسی جرمی را نسبت می‌دهند حتی اگر شهادتشان دروغ و غیر واقع باشد مفتری به شمار نمی‌آیند اگرچه به موجب مواد ۶۴۹ و ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات باشند چون که در این گونه موارد نسبت دادن جرم، ابتدا به ساکن نیست بلکه در مقام دفاع است. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا هر شاکی مفتری است؟ در موضوع شکایات و تظلمات آیا می‌توان شاکی و یا شاکیان را در صورت عجز از اثبات جرم علیه مرتکب تحت عنوان افتراء و مفتری تعقیب و مجازات کرد؟

با توجه به این که یکی از شرایط اساسی تحقق عنصر مادی جرم افتراء، ابتدایی بودن اسناد است نمی‌توان شاکی را مفتری دانست. به دلیل این که در بدو امر شاکی خود را مظلوم و طرف مقابل را ظالم و متجاوز می‌داند و در دفاع از حق خود و نه به قصد اضرار به غیر اقدام به شکایت می‌کند. بنابراین دلیلی وجود ندارد که شاکی به عنوان مفتری تلقی گردد. و- اسناد دهنده نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید. وظیفه اثبات اسناد

جرم به شخص، با اسناد دهنده است اگر جرم مورد اسناد علیه مرتکب ثابت شد به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌گردد و موضوع از حالت افتراء خارج می‌شود و اگر اسناد دهنده نتوانست دلیل محکمه پسند ارائه دهد در تحقیقات مقدماتی قاضی رسیدگی کننده برای متهم قرار منع تعقیب و بعد از تکمیل تحقیقات مقدماتی و به دلیل فقد ادله مثبتة حکم برائت او را صادر می‌کند.

در این دو فرض اسناد دهنده مفتری شناخته می‌شود. مگر این که شاکی بعد از قرار منع تعقیب دلیل کافی جمع‌آوری کند و با اعتراض به قرار صادره، مرجع تجدیدنظر آن را نقض و سپس حکم محکومیت متهم را صادر نماید که در این صورت چون اسناد دهنده توانسته است جرم را علیه متهم ثابت نماید دیگر مفتری به حساب نمی‌آید. اگر در جریان رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر شود؛ مثلاً، متهم مبتلا به جنون شود مورد از موارد عجز از اثبات جرم به حساب نمی‌آید و نمی‌توان اسناد دهنده را به اتهام مفتری تحت تعقیب قرار داد.

رکن معنوی: در جرم افتراء سوءنیت برای تحقق عمل مجرمانه شرط است بدین معنی که اسناد دهنده به دروغ و خلاف واقع بودن اسناد عالم بوده و علی‌رغم وجود این علم، ارتکاب جرم را به غیر نسبت داده است. اسناد دهنده علاوه بر علم بر خلاف واقع بودن اسناد باید قصد اضرار به غیر را داشته باشد. این موضوع در مواد ۶۹۸ و ۶۹۹ به صراحت ذکر شده است. بنابراین اگر شخص، علم به دروغ بودن اسناد نداشته و یا قصد اضرار به غیر را نداشته باشد مشمول مواد مربوط به افتراء نمی‌گردد.

فرق اساسی که موضوع ماده ۶۹۷ با ماده ۶۹۹ دارد این است که در ماده ۶۹۷ مسؤولیت اثبات جرم به عهده مفتری است و در ماده ۶۹۹ مفتری علیه باید بی‌گناهی خود را ثابت نماید و در صورت اثبات بی‌گناهی و صدور رأی قطعی قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی، می‌تواند علیه مفتری به اتهام افتراء شکایت کند.

«حواله»

«از منظر قانون و شرع و جایگاه حواله‌های صادر شده

از مؤسسات اعتباری غیربانکی»

الحمد والی اله زنگنه

قاضی دادگستری همدان

مقدمه: در جامعه اسلامی بویژه پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، شاهد تأسیس و فعالیت مؤسسات اعتباری و غیر بانکی و صندوقهای قرض الحسنه و پس‌انداز با نام و عناوین مختلف بوده‌ایم که عمدهً با اهداف خدایسندانه در راستای بسط و توسعه فرهنگ دینی و احیای سیره نبوی و ائمه طاهرین علیهم السلام و کمک به افراد کم بضاعت به وجود آمده است. صرف نظر از انگیزه بانیان این قبیل مؤسسات که در جای خود قابل تحسین و تقدیر می‌باشد، اصولاً جایگاه قانونی و آثار حقوقی ناشی از فعالیت این گونه مؤسسات بر اقتصاد جامعه و نحوه تضمین بازپرداخت سپرده‌های اشخاص و اعطاء تسهیلات به افراد نیازمند بررسی و تعمق است. مؤسسات یاد شده در راستای عملیات شبه بانکی خود به وضع مقرراتی مبادرت کرده‌اند تا امور محوله و قبض و اقباض سپرده‌های سرمایه‌گذاران را تنظیم و تنسیق نمایند. از جمله این مقررات تهیه اوراقی شبیه چکهای بانکی و تحت عنوان «دسته حواله» می‌باشد که از نظر ظاهر شباهت زیادی با دسته چکهای بانکی دارد. از آنجاکه عموماً مراجعین به این مؤسسات (جهت افتتاح حساب) افراد کم اطلاع و یا ناآشنا به مسائل حقوقی هستند و از ماهیت و جایگاه قانون مؤسسات یاد شده، اطلاع چندانی ندارند، تا جایی که آنها را در ردیف بانکهای رسمی کشور دانسته و صدور و تحویل دسته حواله‌های موصوف را در حکم چکهای بانکی معتبر می‌دانند! و همین امر سبب شده تا افراد سودجو با افتتاح حساب در این مؤسسات و اخذ دسته حواله به منظور فریب افراد جامعه و چپاول اموال آنها در